

سلام کودکانه

در روزهای سرد پرندگان را فراموش نکنیم

من همیشه توی تراس یک ظرف آب و یک ظرف دانه برای گنجشک‌ها می‌گذارم و پشت پنجره آرام می‌نشینم و به غذا خوردن آن‌ها نگاه می‌کنم. آن‌ها همیشه بعد از این‌که آب و غذایشان تمام می‌شود جیک جیک می‌کنند. من فکر می‌کنم گنجشک‌ها هم مثل ما آدم‌ها از خدا به خاطر نعمت‌هایش تشکر می‌کنند. بعضی وقت‌ها هم به پنجره نگاه می‌کنند و جیک جیک می‌کنند. شاید باز هم از خدا تشکر می‌کنند بابت این‌که آدم‌های مهربانی وجود دارند که در سرما به یاد آن‌ها هستند.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و ...

۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶



سردار سلیمانی، مردی محبوب

دوستان خوبم، حتماً اسم سردار سلیمانی رو شنیدید. قهرمانی که به تازگی شهید شد. ایشان آدم خیلی شجاعی بود. سال‌ها قبل که کشور ما مورد هجوم دشمن قرار گرفت سردار سلیمانی که آن روزها جوان بود، مقابل دشمن ایستاد. سال‌ها گذشت و سردار در برابر آدم‌های بد در نقاط مختلف دنیا جنگید تا همه به خصوص بچه‌ها زندگی بهتری داشته باشند. مردم کشورهایی مثل سوریه و عراق، مثل مردم ایران سردار سلیمانی را که به حاج قاسم معروف بود، به خاطر شجاعتش خیلی دوست داشتند و حالا با شهادتش توسط آمریکایی‌ها ناراحت هستند.

شعر

درس شجاعت

تقدیم به سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

من شنیدم که اگر دوست باشی با خدا می‌شوی خیلی شجاع در تمام لحظه‌ها خون تو، سردار عشق درس را بهتر نوشت آن زمان که پر زدی از زمین، سوی بهشت

عفت زینلی



شهر قصه

به دنبال غذا

گنجی خانم، یک روز برفی از لانه گرم و نرمش بیرون آمد تا دنبال غذا بگردد. صدای جیک جیکی شنید و گفت: «کی اون جاس؟» گنجشکی گفت: «گنجو هستم. منم مثل تو یک گنجشکم. دارم دنبال غذا می‌گردم. تو چیزی برای خوردن داری؟» گنجی خانم گفت: «نه، خودم هم خیلی گرسنه‌ام ولی ناراحت نباش من دو تا چشم دارم تو دو تا چشم، با چهار تا چشم بهتر میشه دنبال غذا بگردیم».

گنجی و گنجو پرواز کردند و این طرف و آن طرف را گشتند ولی باز هم غذایی پیدا نکردند. گنجشک دیگری به آن‌ها نزدیک شد و گفت: «اسم من گنجکه، غذایی دارین به من بدین؟» گنجی خانم گفت: «نه ما خودمون هم گرسنه‌ایم ولی من دو تا چشم دارم و گنجو هم دو تا چشم



داره و تو هم دو تا چشم. با شش تا چشم بهتر می‌تونیم دنبال غذا بگردیم.» سه گنجشک پرواز کردند و دنبال غذا گشتند و گشتند تا این‌که گنجو از آن بالا یک ظرف غذا توی برف‌ها پیدا کرد و به گنجی و گنجک خبر داد. گنجشک‌ها روی ظرف نشستند تا خواستند غذا بخورند، یک گربه کنار ظرف غذا پرید. گنجشک‌ها فرار کردند. گنجی خانم گفت: «باید کاری کنیم که گربه از ظرف غذا دور بشه» گنجشک‌ها به نوبت روی زمین نشستند تا گربه می‌خواست آن‌ها را بگیرد، فرار می‌کردند.

کار خطرناکی بود ولی با این کار گربه از ظرف غذا دور شد. گنجشک‌ها به طرف ظرف غذا برگشتند. کلی پرنده کنار ظرف نشسته بودند و غذا می‌خوردند. سه تا گنجشک هم سریع خودشان را کنار پرنده‌ها جا کردند و غذا خوردند.

نویسنده: آرزو مصطفی

آثار شما

دنیای نقاشی

دوستان گلم شعرهایی که در کنار نقاشی‌های شماست ویژه نقاشی‌های قشنگ شما سروده شده. امیدواریم که خوشتون بیاد. اگه شما هم دوست دارین برای نقاشی‌های قشنگتون شعر گفته بشه لطفاً نقاشی‌هاتون رو برای ما تو تلگرام به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستین.

احسان شایسته - ۹ ساله
نگاه کنید بچه‌ها یک باغ وحش زیبا هیچ میله‌ای نداره هیچ کدوم از قفس‌ها



امیرعلی پزمایه - ۹ ساله
کاشکی کنار خونه‌ها درختای قشنگ باشه اصلاً ترافیک نباشه آسمون آبی رنگ باشه



محمدپارسا شاهر - ۹ ساله
یه ذره می‌چرخه زمین تو هر لحظه و ثانیه انگار یه چرخ و فلکه بزرگه و مجانبه



شما فرستادید

خاطرات شما

روزی مامانم می‌خواستند به خرید بروند. مامان به من گفتند مراقب برادرم که از خودم کوچک تر بود، باشم و من قبول کردم. من سرم به دیدن فیلم گرم شد که با صدای گریه برادرم متوجه او شدم. به طرف او دویدم و متوجه شدم بینی برادرم خونی شده است، در همین حال مامان وارد خانه شدند.

من آن روز خیلی خجالت کشیدم. مامان برادرم را برداشتند و برای شستن بینی او را بردند. وقتی مامان بیرون آمدند، من از ایشان عذرخواهی کردم. مامان باز هم چیزی نگفتند و من بیشتر شرمنده شدم. من آن روز تجربه به دست آوردم که وقتی مسئولیتی قبول می‌کنم باید حواسم را جمع آن مسئولیت بکنم.

خاطره ارسالی از دوست خوب «فرقه»
کوثر عبادی، ۱۰ ساله



دوستان خوبم اگر شما هم خاطره جالب یا آموزنده‌ای دارید برای مادر تلگرام به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستید تا به اسم خودتان در صفحه فرقه چاپ شود.

سرگرمی و رنگ آمیزی

بگرد و پیدا کن

دوستان خوبم شکل‌های خواسته شده را در تصویر پیدا کنید و سپس تصویر را رنگ آمیزی کنید.

